

نقش و تأثیر ملکه آینده دراهمیت حقوق زنان ایرانی

والاحضرت یاسمین پهلوی
سمبل زن، زندگی، شادی،
رقص، آزادی، صلح و
احترام به مذاهب است.



والاحضرت یاسمین پهلوی دارای مدرک دکترا در رشته حقوق از دانشگاه جرج واشینگتن است. به عنوان یک همسر و مادر، و به عنوان ملکه قدرتمند و توانای ایران آینده، یک شخصیت عمومی و الگویی برای زنان ایران در جامعه و الهام بخش آنان جهت تحقق و پیشرفت حقوق سیاسی و اجتماعی است. والاحضرت پیشگامی است برای توانمند سازی آنان جهت برابری زن و مرد. نقش والاحضرت از طریق تصمیمگیری‌ها و شرکت در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، چه همگام با پادشاه ایران و چه بطور فردی در زمینه‌های مختلف مشهود می‌باشد، و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق الهام بخشیدن به دیگر زنان، و با ترویج یک نمونه قدرتمند زنانه در جامعه به خوبی نمایان است. راگو کندری

شاهنشاه آریامهر

«مردم گیتی در اثر تجارب تلخ باین نکته واقف گشته اند که آزادی واقعی هر فرد تنها در حکومت های دموکراسی بدست می‌آید یعنی آن روش حکومتی که مردم عادی در امور نظارت و دخالت دارند



اما کسانی هم هستند که مفهوم دموکراسی را تحریف کرده و آنرا بدیکتاتوری و پرولتاریا تفسیر و توجیه مینمایند. «ظاهر حقیقت اینست که دیکتاتوری های مزدوران در تمام نقاط دسته کوچکی از افراد شاخصی هستند که آنچه بفکرشان نمی‌آید همان آسایش و رفاه مردم و حقوق فردی آنهاست ثانیاً باید معلوم ساخت که آیا در این قبیل حکومت‌ها مردم در اعمال سران دستگاه هیچگونه حق اظهار نظر دارند؟» «برنامه تحولات و تکامل سیاسی باید با برنامه توسعه اقتصادی هم آهنگ باشد و در غیر این صورت ملتها دچار دشواریهای خطرناک خواهند گشت.»

«خوشبختانه در کشور ایران دموکراسی بدون ریشه و پایه نیست و نقشه ای که اینک برای توسعه اصول دموکراسی داریم با روح مردم ما سازگار است.»

«از زمان قدیم مردم کشور ما مدارا و مماشات و احترام بحقوق افراد را که از مبادی دموکراسی است رعایت می‌کردند چنانکه وقتی کوروش کبیر کشوری را فتح میکرد مردمی را که بجنگ وی اقدام کرده بودند می‌بخشید و با آنها به مهربانی رفتار میکرد. بنابراین با اینکه در آن ایام دموکراسی در ایران مفهوم واضحی نداشت کوروش کبیر خصایصی از خود بروز داده که اساس و مبنای دموکراسی نوین محسوب میشود.»

گزیده ای از کتاب ماموریت برای وطنم

روانشناسی سیاسی

روابط بین عوامل روانی و سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این حوزه تلاش می‌کند تا تأثیر عوامل روانی،



راگو کندری

مانند اعتقادات، ارزش‌ها، هویت‌ها، شخصیت و روانشناختی بر تصمیمگیری‌های سیاسی، رفتار سیاسی افراد و پدیده‌های سیاسی را بررسی کند. روانشناسی سیاسی به دنبال درک عملکرد ذهنی و روانی افراد، و همچنین عوامل نفسی و هیجانی در زمینه هایی همچون نگرش‌ها و دیدگاه‌های سیاسی، مشارکت سیاسی، رفتار انتخابی، تصمیمگیری‌های سیاسی، فرهنگ سیاسی و تأثیرات رسانه ها بر فرایندهای سیاسی می‌باشد. از جمله مباحثی که در روانشناسی سیاسی بررسی می‌شوند عبارتند از: شکل‌گیری و تغییر نگرش‌ها و دیدگاه‌های سیاسی در افراد و گروه‌ها.

تأثیرات شخصیت و ویژگی‌های روانشناختی بر تصمیمگیری‌های سیاسی. رابطه بین هویت‌های فردی و گروهی و رفتار سیاسی. تأثیر رسانه ها و فرهنگ سیاسی بر نگرش‌ها و رفتار سیاسی. مشارکت سیاسی و انگیزه های پشتیبانی از سیستم سیاسی. فرایندهای روانی در تصمیمگیری‌های سیاسی و رفتارهای انتخابی.

پیدایش و توسعه ایندولوژی‌ها و جریان‌های سیاسی. روانشناسی سیاسی با استفاده از روش‌های پژوهشی مختلف، از جمله مطالعات تجربی، نظریه پردازی و مشاهده میدانی، سعی در درک بهتری از رابطه بین روانشناسی و سیاست را به ما می‌دهد. احزابی که میتوانند درک درستی از روانشناسی سیاسی داشته و آنرا در سیاستهای حزبی خود بکار گیرند، توانایی بیشتری در جهت شناخت سیاسی و فرهنگی جامعه دارند و متأسفانه با این شناخت، سیاست‌های موفقتری جهت پیشبرد اهدافشان ارایه میدهند.

استاد امیر طاهری

پیشنهاد من به فعالان سیاسی این است که احزابتان را درست کنید با هر عقیده و مسلکی که دارید و منشور حزب خودتان را بنویسید و با منشور احزاب دیگر مقایسه کنید. و بر سر حداقل‌ها میتونید برای مدت کوتاهی برای برنامه و اهداف خاصی با هم ائتلاف کنید.



اولین نقطه تفاهم اینکه جمهوری اسلامی نمیتواند مشکلات کشور را حل بکند و خود ریشه همه مشکلات است. دومین نقطه تفاهم اینکه ایران متعلق به تمامی ایرانیان است، و هیچکس را نمیتوانیم حذف بکنیم. زمینه سومی که میتوانیم توافق کنیم این است که قدرت حکومتی و تصمیم گیری سیاستی متعلق به همه مردم ایران است، و مردم ایران متشکل هستند از شهروندان عاقل و بالغ، با حقوق مساوی در چهار چوب قانون. و بر این اساس میتوانیم پیش برویم.